

تحلیل رابطه عبادت با ایمان

در خطبه ۸۰ نهج البلاغه *

□ محمدحسین ناظمی اشنی^۱

□ مهدی مردانی (گلستانی)^۲

چکیده

نسبت کاستی ایمان به زنان در خطبه هشتاد نهج البلاغه، به ظاهر حکایت از نقص استعدادی زنان در رسیدن به کمال دارد. خصوصاً آنکه کاستی ایمان آنها به کناره‌گیری از نماز در هنگام عادت ماهانه مستند شده است. از آنجا که مهمترین کمال در اندیشه دینی تقرب به خداوند و دستیابی به ایمان کامل است، نقص ایمان زنان به معنای نفی برابری زن و مرد در ارزشمندی خواهد بود و متن یاد شده، حکایت از نقص توان زن در رسیدن به حقیقت ایمان دارد. از این رو بررسی این پرسش، از اهمیت بسیار برخوردار است که معنای این روایت چیست؟ ایمان چه معنایی دارد و نقش عمل به تکالیف در ایمان چقدر است؟ این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی بر پایه فرضیه صدور روایت، اعتنا به ظاهر آن و توجه به آیات و روایات دیگر مبنی بر عدم فرق بین زن و مرد در قبول عبادات، به اظهار نظر پیرامون این روایت پرداخته است. زنان به علت دوری از نماز و روزه در

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴.

۱. استادیار، گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان (64nazemi@gmail.com).

۲. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

mahdi mardani@islamic-rf.ir



بعضی از روزها، دچار نقص در ایمان هستند. از طرفی امکان جبران این نقص برای زنان وجود دارد. به همین خاطر تعارضی با قرآن یا سائر روایات ندارد. **واژگان کلیدی:** عبادات، مشکل الحدیث، شبهات نهج البلاغه، نقصان ایمان زنان

مقدمه

زنان نیمی از جمعیت فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و نظام خانواده نیز مبتنی بر روابط زن و مرد است. از این منظر مباحث مرتبط با زنان و جایگاه آنان نسبت به مردان و جامعه از مباحث چالشی در دنیای مدرن است که مخالفان با دستاویز قرار دادن آن در پی ضربه زدن به اسلام و یا سست کردن اعتقادات مردم هستند. به این جهت رصد شبهات و پاسخ‌گویی به آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از این شبهات که جامعه زنان را درگیر کرده است، کاستی ایمان آنها در برخی متون دینی است. جایگاه ویژه ایمان در روایات بر کسی پوشیده نیست، چون بنده مؤمن آن‌قدر نزد خداوند ارزش دارد که خداوند متعال به خاطر یک مؤمن، نابودی را از یک گروه برمی‌دارد (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۷)، و اگر پرده از جلوی چشم مردم برداشته می‌شد و به رابطه خداوند با بنده مؤمن نگاه می‌کردند، گردن‌هایشان را در نزد مؤمنان خاشع می‌کردند و امور مؤمنین را آسان و اطاعت از مؤمنین برای مردم راحت می‌شد (همان، ۸/۳۶۵)، هر بنده‌ای دوست دارد بهترین کار و محبوب‌ترین کار در نزد خداوند را انجام دهد تا به او نزدیک‌تر شود و هیچ چیزی محبوب‌تر نزد خداوند، از ایمان به او، ترک آن چیزی که از آن نهی فرموده، نیست (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۱). یک شیء با ارزش در دسترس همه افراد قرار نمی‌گیرد و باید برای به دست آوردن آن تلاش کرد. به همین خاطر خداوند متعال، مال را هم به کسی که دوستش دارد و دوستش ندارد می‌دهد ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد و وقتی خداوند بنده‌ای را دوست داشت به او ایمان را عطا می‌کند (متقی‌هندی، ۱۴۰۹: ۱/۴۶۷).

اهداف انسان‌ها نشانه شخصیت و باطن حقیقی افراد است و هر قدر هدف انسان عالی باشد، مقام انسان متعالی خواهد بود و بالاترین هدف برای انسان ایمان است

(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۱۳/۱)، اما عبارت *إن النساء نواقص الإیمان* در خطبه هشتاد نهج البلاغه به ظاهر حکایت از نقص استعدادی زنان در رسیدن به کمال دارد و در اصطلاح حدیثی به آن مشکل الحدیث اطلاق می‌شود. خصوصاً آنکه کاستی ایمان آنها در برخی از این متون، به کناره‌گیری از نماز در هنگام عادت ماهانه مستند شده است.

از آنجا که مهمترین کمال در اندیشه دینی تقرب به خداوند و دستیابی به ایمان ناب است، نقص ایمان زنان به معنای نفی برابری زن و مرد در ارزشمندی خواهد بود و متن یاد شده، حاکی از نقص توان زن در رسیدن به حقیقت ایمان دارد. از این رو بررسی این پرسش، از اهمیت بسیار برخوردار است که ایمان چه معنایی دارد و نقش عمل به تکالیف در ایمان چیست؟ از بین کتاب‌هایی که به این موضوع اشاره دارند می‌توان از کتاب "زن در آئینه جلال و جمال" نگاشته آیت الله جوادی آملی "نظام حقوق زن در اسلام" نوشته استاد شهید مطهری "شخصیت و حقوق زن در اسلام" به قلم حجت الاسلام مهدی مهریزی نام برد. در بین مقالات هم دو مقاله خانم فریبا علاسوند به نام جایگاه ارزشی زنان و تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در کتاب دانشنامه فاطمی قابل اعتنا است.

همچنین می‌توان به این مقالات مراجعه کرد؛ بررسی اسناد و دلالات سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پیرامون زنان نوشته مریم فقیه زاده، معنا شناسی ایمان در احادیث (*إن النساء نواقص الإیمان*) نوشته حسین افسردیر و طاهره سادات طباطبایی امین، جایگاه زن در نهج البلاغه نوشته عزت‌السادات میرخانی و تحلیلی بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه نوشته فاطمه علایی رحمانی. آنچه در غالب نوشته‌های پیرامون این موضوع دیده می‌شود اشکال در اعتبار روایات آن، تغییر در معنای متبادر به ذهن از کلمات روایات، ایجاد شبهات متعدد به مضمون روایات بر فرض صدور است. اما در این تحقیق، فرمایش حضرت امیر علیه السلام با توجه به معنای متبادر به ذهن ترجمه می‌شود و به شبهات پیرامون آن با توجه به صدور و معنای حقیقی، پاسخ گفته می‌شود. طبق مبنای جمع قرائن و ظنون در باب صدور روایات از معصوم علیه السلام و با توجه به رابطه دو سویه عمل و ایمان در بخش دلالت آنها، نقصان ایمان زنان قابل فهم خواهد بود و قابلیت

جبران نقصان ایمان از طرف زنان، شبهه تعارض با قرآن و سائر روایات را برطرف می‌سازد. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد.

۱. رابطه ایمان زنان و انجام عبادات از نگاه اندیشمندان

سه رویکرد در مواجهه با روایت نقصان ایمان زنان در بین محققان وجود دارد. گروهی با تمرکز بر الفاظ روایت و بدون توجه به شبهات پیش رو، به ظاهر روایات معتقد شده‌اند. عده‌ای هم از ظاهر عبارت با توجیهاتی عبور کرده‌اند ولی اصل روایت را پذیرفته‌اند. در مقابل این دو گروه، کسانی هستند که اصل صدور روایت را با ادله مختلف، انکار می‌کنند. پژوهش حاضر به تبیین و نقد این سه دیدگاه پرداخته و نظریه مختار بر پایه احتمال صدور روایات و اعتنا به ظاهر روایت، توجه به آیات و روایات دیگر مبنی بر عدم فرق بین زن و مرد در قبول عبادات، ارائه شده است.

۱-۱- پذیرش روایت و دفاع از آن

عده‌ای از دانشمندان علوم اسلامی، ظاهر این روایت را پذیرفته و به دفاع از آن پرداخته‌اند. سید مرتضی با اشاره به روایت نبوی در این زمینه و در پاسخ به سؤال از معنی نقصان ایمان زنان می‌گوید: نقصان دین زنان به این معنی است که اکثر زنان در هر ماه چند روزی را از انجام عبادت محروم هستند و به ثواب آن دست نمی‌یابند (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۱۲۴). ایشان در ادامه، جمله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از جنگ جمل را به عنوان تأیید نقل می‌کند. ابن میثم در شرح نهج البلاغه خود می‌نویسد؛ پس از جنگ جمل که هلاکت جمع فراوانی از مسلمین را در پی داشت و از تصمیم و اراده یک زن (عایشه)، به وجود آمده بود، امام مردم را متوجه نقص زنان، نموده است. یکی از وجوه نقص، نقص در ایمان است که مستند به دوری از نماز و روزه به هنگام حیضشان شده است. بدیهی است که نماز و روزه از کمال دین و نوعی ریاضت معنوی است، دوری زنان از این ریاضت به هنگام عادت ماهانه، موجب نقص ایمان آنها می‌شود. شریعت بدین جهت از آنها در انجام این دو نوع عبادت رفع تکلیف کرده است که در حال ناپاکی هستند و شایسته نیست فرا روی حضرت سبحان به عبادت

بایستند. بعلاوه روزه نگرفتن زن‌ها وجه عقلی دیگری نیز دارد و آن ضعف مفروطی است که در اثر خونریزی در آنها پدید می‌آید. البته اسرار شریعت، ظریف تر از آن است که خرد انسان‌ها به آن دست یابد. به هر حال در ایام حیض، زن‌ها نباید نماز بخوانند و روزه بگیرند و این دلیل کمبود ایمان آنها است (بحرانی، ۱۳۸۵: ۱۱۸/۴). سید عباس موسوی در شرح نهج البلاغه می‌آورد؛ انجام ندادن نماز و روزه توسط زنان، اگر چه به امر شارع بوده است ولی علت دستور شارع، قصور خود زنان است. چون آنها در زمان عادت ماهانه، اهلیت برای لقاء خداوند ندارند. این طبیعت هر زن معمولی است و إلا زنان معصوم، دچار عادت ماهانه نمی‌شوند و دائما متصل به خداوند باقی می‌مانند، و کلام امام علیه السلام همچنین اشاره دارد به اینکه ایمان، قابلیت زیادی و نقصان را دارد و روایات مؤید همین مطلب است (موسوی، ۱۳۷۶: ۱/۴۵۱). در کتاب مفردات نهج البلاغه چنین آمده است: کلام حضرت که فرموده (ناقصات الإیمان) نیز در جای خود واقع است چون آن حضرت عمل را جزء ایمان محسوب کرده است. در این صورت، عمل زنان کمتر از عمل مردان است. این جریان که یک دستور خدایی است نسبت به زنان نقصی نیست ولی در مقایسه با مردان چنین جلوه می‌کند (قرشی بنایی، ۱۳۷۷: ۲/۱۰۳۵).

۲-۱- پذیرش روایت در ضمن توجیه آن

برخی از اندیشمندان، صدور این سخن را از سوی معصوم علیه السلام می‌پذیرند اما آن را به گونه‌ای معنا می‌کنند که مرادش تحقیر زنان نباشد.

۱-۲-۱- قضیه شخصی نه حقیقیه

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه بیان می‌کند؛ همه این خطبه اشاره به عایشه دارد و اصحاب ما اختلاف ندارند که عایشه در آنچه روز جنگ جمل انجام داد اشتباه کرد ولی سپس توبه کرد و با توبه از دنیا رفت و اهل بهشت است (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۱۴/۶). آیت الله جوادی همین نظریه را دنبال نموده‌اند که با ذکر مقدمه‌ای، کلام ایشان بیان می‌شود.

تاریخ هر حادثه، از چگونگی وقوع آن خبر می‌دهد به همین خاطر یکی از اصولی که در تحقیق روایی باید به آن دقت کرد تاریخ صدور روایت است. هر روایتی از پس

نیازی و در پاسخ پرسشی و در مقام تبیین حقیقتی و گاه برای وضعیت ویژه‌ای صادر شده است. به تعبیر دیگر، شأن نزولی دارد که باید به آن مراجعه کرد. شهید سید محمد باقر صدر، یکی از آفت‌های اجتهاد در نصوص دینی را (تجرید الدلیل الشرعی من ظروفه و شروطه) دانسته و می‌گوید؛ اگر امری در عهد تشریح جایز دانسته شد، پژوهشگر باید تمام آنچه در این تجویز می‌توانسته دخالت داشته باشد را منظور کند و گرنه تعمیم حکم یا منظور نکردن شرایط خارجی آن زمان، امری خطا خواهد بود. به همین دلیل آیت الله جوادی می‌گوید؛ گاهی حادثه یا موضوعی، در اثر یک سلسله عوامل تاریخی، زمان، افراد، شرایط و اسباب آن، ستایش یا نکوهش می‌شود. معنای ستایش یا نکوهش بعضی حوادث و یا امور جنبی یک حادثه، این نیست که اصل طبیعت آن شیئی قابل ستایش یا نکوهش می‌باشد بلکه احتمال دارد زمینه خاصی سبب این نکوهش یا ستایش شده باشد. مثلاً اگر از قبیله‌ای ستایش به عمل آمده، احتمال دارد در اثر آن باشد که مردان خوبی در آن عصر از این قبیله برخاسته‌اند و شاید در فاصله‌ای کم ورق برگردد و افراد دیگری از آن قبیله برخیزند که مورد نکوهش قرار بگیرند.

با توجه به این نکته باید گفت بخشی از نکوهش‌های نهج البلاغه در مورد زن، ظاهراً به جریان جنگ جمل بر می‌گردد. همان‌گونه که از بصره یا کوفه نیز در این زمینه نکوهش شده است با اینکه بصره رجال علمی فراوانی تربیت کرده و کوفه مردان مبارزی تقدیم اسلام نموده است و بسیاری از کسانی که به خونخواهی سالار شهیدان برخاستند از کوفه نشأت گرفتند و هم اکنون نیز کوفه جایی است که به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آنجا نماز می‌خوانند و نمی‌توان گفت که چون از کوفه یا بصره نکوهش شده است پس آن دو شهر برای همیشه سزاوار نکوهش هستند. روایتی که در نهج البلاغه وارد شده است به عنوان یک قضیه حقیقیه نیست تقریباً نظیر قضیه شخصی یا خارجی است. اصل قضیه این است که عایشه این جنگ را به راه انداخت، اهل سنت نیز به این اعتقاد دارند و شاهدش اینکه ابن ابی الحدید معتزلی خطای عایشه را قبول کرده ولی توهم کرده که او با توبه مرده است، ولی دیگران می‌گویند بدون توبه مرده است (جوادی آملی، ۱۴۱۷: ۳۷۵).

۱-۲-۲- نقصان به معنای تفاوت

عده‌ای از اندیشمندان، برای توجیه کلام حضرت علی علیه السلام نقصان را به معنی متفاوت بودن دانسته‌اند و می‌نویسند؛ ظاهر این خطبه و کلمه نواقص، مخالف آیات قرآن کریم و عقائد و فلسفه اسلامی است، اگر بگوییم خدا نیمی از انسان‌ها را ناقص آفرید تنها راه جمع آن با سائر ادله این است که در واژه نواقص تصرف کنیم و معنای آن را تفاوت و اختلاف بدانیم که در واژه‌های قرآنی نیز به جای هم به کار رفته‌اند. در این صورت تضاد ظاهری این خطبه با آیات قرآن و مبانی اعتقادی برطرف می‌گردد. کلمه نواقص در اینجا یعنی تفاوت و تفاوت در آیه سوم سوره ملک ﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ﴾ به معنی نقص است. امام علیه السلام در این خطبه می‌خواهند بفرمایند زن و مرد هر کدام روحیات و صفات مخصوص به خود را دارند و جایگاه هر کدام باید حفظ شود. پس عایشه را که یک زن است سوار بر شتر، فرمانده خود قرار ندهید که شورش بصره را به پا کند و آن همه خون مسلمانان را به زمین بریزد (خزعلی، کبری و بهزاد پور، سیمین دخت، و آیت اللهی، زهرا، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

۱-۲-۳- منظور از نساء، عنوان زنانگی

برخی گفته‌اند منظور از عنوان نساء در این گونه روایات، مفهوم زنانگی در اذهان عامه مردم می‌باشد نه مفهوم حقیقی کلمه. مردم آن روزگار در تعبیر زنانه و زنانگی، جنسی از آدمیان را در نظر داشتند که عموماً ساده اندیش و کم‌خرد بودند (همان)، به تعبیر دیگر ناقصات الایمان، زنانی هستند که غرق در امور عادی زنانه شده‌اند و هیچ ارتقای ذهنی و علمی ندارند و مانند بیشتر زنان زمان صدور روایت از فرهنگ اسلامی به دور مانده‌اند. اما زنانی که با فرهنگ اسلامی و علوم مرتبط آشنا و اهل تفکر و تقرب هستند، از این روایت خارج می‌باشند.

۱-۳-۱- عدم اعتنا به روایت

عده‌ای از اندیشمندان، روایت مورد بحث را به عنوان محور در مباحث قرار نمی‌دهند و اعتنایی به آنها نمی‌کنند که به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱-۳-۱- قائلین به جعلی بودن روایات

گروه اول، روایت دال بر نقصان زنان را غیر معتبر بلکه جعلی دانسته که از طرف مخالفین اهل بیت علیهم السلام و به هدف از بین بردن جایگاه خاص حضرت زهرا علیها السلام ساخته شده تا جلوی تهدیدی که از جانب آن حضرت برای حکومت وقت شکل گرفته را از بین ببرند (صانعی، ش ۵۱: ۱۲).

۱-۳-۲- قائلین به توقف در فهم روایات

این گروه از دانشمندان می گویند باید در فهم روایات توقف کنیم و این روایات را به دانشمندان عرضه کنیم آنها برای مدعای خود به ناسازگاری اندیشه موجود در روایات با ماهیت تعلیل تمسک می کنند. یعنی رابطه‌ای بین ترک نماز در ایام عادت و نقصان ایمان زنان نمی بینند و به خاطر ناسازگاری بین علت و معلول، قائل به توقف در فهم روایات هستند. ناسازگاری بین علت و معلول، دارای منشأهای متعددی در کلام این بزرگواران بوده که به آنها اشاره می شود.

الف. دستور الهی منشأ ترک نماز زنان

سید حسن فضل الله می نویسد: اینکه زنان در دین کاستی دارند چون در زمان عادت ماهانه نماز را ترک می کنند درست نیست، زن نماز را برای فرمان برداری خداوند ترک می کند و همان گونه که در واجبات اطاعت می کند باید در محرمات هم اطاعت کند. اگر نماز در زمان عادت ماهانه بر زنان حرام نبود، آنان نماز می خواندند ولی اکنون برای فرمان برداری از خداوند نماز نمی خوانند و این چگونه کاستی دین آنها به شمار می آید؟ اگر چنین است هرگاه به سفر می رویم دینمان ناقص است چون نمازمان شکسته است و روزه هم نمی گیریم. از این رو لازم است در فهم این روایات به دانشمندان مراجعه کرد (فضل الله، ۱۳۸۳: ۶۰).

ب. عادت ماهانه، مایه امتیاز زنان نه نقص آنها

آقای مهدی مهریزی بیان می کند: عادت ماهیانه زنان، مانند جنون و عقب ماندگی نیست که شر اقلی تکوین به شمار رود بلکه جزو نظام احسن تکوین و در مسیر بارداری

زنان بوده و از جمله امتیازهای آنان به شمار می‌رود زیرا زنی که عادت ماهیانه ندارد امکان بار دار شدن را از دست می‌دهد. در اندیشه اسلامی، باردار شدن زنان مجازاتی برای آنان نیست، بلکه مشقتی است که در بر دارنده کمال، ثواب و تقرب خواهد بود (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). قرآن نیز، این مشقت را یاد آور شده و حتی آن را دلیلی برای احترام به مادر قرار داده است (لقمان/۱۴. احقاف/۱۵).

ج. امکان جبران عبادت ترک شده در ایام عادت ماهانه

آیت الله جوادی می‌گویند: زنان به لحاظ کمی دچار نقص در عبادت نیستند؛ زیرا شش سال زود تر از مردان پا به عرصه عبادت و تکلیف نهاده و مسئله قعود از نماز در ایام حیض پس از دوران یائسگی پایان می‌پذیرد. از سوی دیگر زنان با مناسکی همچون انجام نیایش در هنگام نماز، می‌توانند کاستی ایام عادت ماهانه را جبران نمایند چنانکه به مسافر توصیه شده تا برای جبران کاستی نماز شکسته، تسبیحات اربعه را خوانده و تکرار کند (جوادی آملی، ۱۴۱۷: ۳۷۹).

د. نقص ایمان زنان، خلاف عدالت الهی

اگر همه زنان به خاطر عادت ماهیانه دچار نقص ایمانی هستند، چرا با وجود این نقص طبیعی همچون مردان موظف به طی همان طریق هدایت با عقاب‌ها و ثواب‌های مشترک هستند؟ این روش با عدالت خداوند ناسازگار است (علاسوند، تهران، ۱۳۹۳: ۳۷/۴).

ه. عدم ارتباط ایمان با عمل

در کتاب المرأة المفاهیم والحقوق آمده است؛ ایمان یک مسئله باطنی است و به اختلاف افراد، متفاوت می‌شود و هیچ ربطی به مرد یا زن، تعداد نماز و روزه ندارد. خوارج به کثرت عبادت معروف بودند ولی مسیر آنها به طرف جهنم است. پس زن‌ها هم می‌توانند با ارتباط قلبی با خداوند متعال دارای ایمان قوی شوند (قبانجی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۱-۳-۳- قائلین به عدم حجیت روایات

گروهی دیگر از علماء برآنند حجیت روایات نقصان ایمان زنان را از بین ببرند. این

گروه می‌گویند: حجیت خبر واحد فقط برای احکام شرعی و تعبدی است و شامل امور تکوینی و اعتقادی نمی‌شود چون در این امور نیاز به یقین داریم. آقای مهدی مهریزی این طور تحلیل می‌کند؛ در مسائل اعتقادی و انسان‌شناختی، دلالت و سند، زمانی پذیرفته است که به مرحله قطع و اطمینان رسیده باشد و گرنه باید آن روایت را مسکوت گذاشت. از این رو به صرف صحت سند یا ظهور دلالت، نمی‌توان به استنتاج دست زد. البته کثرت، تعدد نقل و وجود اسناد بسیار می‌تواند درباره سند قطع آور باشد لکن قطعیت دلالت محتاج شواهدی فراتر از ظهور است. همچنین فهم عالمان دینی می‌تواند قرینه باشد ولی تا زمانی که شاهی بر خلاف نباشد. مهدی مهریزی پس از این مطلب، گفتار آیت الله میرزا جواد تهرانی رحمته الله علیه را مطرح می‌کند. ایشان می‌گویند:

در مطالب اعتقادی باید به مدارک معلوم متکی باشیم. با خبر واحد غیر معلوم الصدور یا تأویل متشابهات، به نظر و میل خودمان و بدون ارجاع به محکومات، نباید به مطلبی معتقد شویم. هر روایتی که بر خلاف محکومات یا روایات متواتره قطعی الدلالة یا بر خلاف عقل فطری سلیم بود باید رد شود. اگر روایتی نه چنین مخالفتی داشت و نه معلوم الصدور و معلوم الدلالة بود باید آن را به اهل بیت علیهم السلام واگذار نمود. هر مورد که ظاهر کلام بر خلاف ضروریات و مسلمات عقل فطری سلیم بود، کشف می‌شود که آن ظاهر، مراد نبوده و یا اساساً صادر نشده است مگر اینکه معلوم الصدور باشد که در این صورت باید در معنای ظاهر تصرف نمود. ایشان این طور ادامه می‌دهند؛ این مطلب در باب سند و دلالت، هر دو جاری است. یعنی دلالتی مورد قبول است که نص باشد و احتمال خطا نداشته باشد. بر این اساس باید گفت روایاتی که در باب معرفی زنان وارد شده، با این ملاک باید سنجیده شود یعنی زمانی می‌شود به اتکای آن روایات و حتی آیات قرآن به انسان‌شناسی پرداخت که سند روایت یقینی و دلالت روایت و قرآن نص غیر قابل تأویل باشد. با هر چیز صحیح و هر ظهوری نمی‌توان نتایجی را در این مقوله به دین نسبت داد زیرا در این حوزه نه شرع تعبد دارد و نه عقل (مهریزی، ۱۳۸۲: ۵۶-۶۰).

۱-۳-۴- تعارض روایات نقصان ایمان زنان با آیات قرآن

یکی از اصول مهم در حوزه مطالعات دینی، قرآن محوری است. قرآن نخستین منبع

دین شناسی است و روایت را باید در پرتو آن درک کرد. در روایتی این چنین وارد شده است «فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فذروه» (آنچه موافق کتاب خداوند است، به آن تمسک کنید و آنچه مخالف است، رها کنید) (کلینی، ۱۳۶۳: ۶۹/۱). در موضوع مورد بحث هم، وقتی به آیات قرآن مراجعه می کنیم می بینیم قرآن در همه مقامات و مراتب، ایمان زن و مرد و توانایی دستیابی آنها را به مراتب ایمان یکسان دانسته است و حتی گروهی از زنان را الگوی همه انسانها قرار داده است. خداوند متعال می فرماید:

۱. ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِيمَانٌ كَرِيمٌ﴾ (تحریم/۱۱-۱۲). خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند مثال همسر فرعون را آورده است. زمانی که گفت خدایا برای من خانه ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کردار او و از گروه ستمکاران نجات بده، و مثال مریم دختر عمران که پاک دامن بود پس از روح خود در او دمیدیم و او کلمات ما را تصدیق کرد و از اطاعت کنندگان بود.

۲. ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب/۳۵) خداوند قطعا برای مردان و زنان مسلمان و مؤمن، بخشش و پاداش زیادی را فراهم کرده است.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (نساء/۱) ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند پروا داشته باشید، او شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد.

۲. تحلیل نظرات اندیشمندان اسلامی

۱-۲- نقد رویکرد اول

اعتقاد به ظواهر روایات، زمانی صحیح است که مضمون آن با حکم قطعی عقل و

داشته های قلبی دینی سنجیده، پیش زمینه های فکری، حذف و روایات بر مدار قرآن و عقل تفسیر شود. روایات در این نظریه با توجه به نگاه تحقیر آمیز نسبت به زنان، تفسیر شده است در حالی که باید به لوازم آن معتقد شد. این بزرگواران باید به تمام شبهاتی که پیرامون این نظریه می باشد، جواب بدهند مانند خلاف عدالت بودن نقصان زنان، امکان جبران عبادت های از دست رفته و حال آنکه بقاء بر نقص، تعارض با آیات قرآن مبنی بر تساوی عبادت زن و مرد است.

۲-۲- نقد رویکرد دوم

این رویکرد با توجیهاتی این روایت را معتبر دانسته اند. اما این توجیهات باید مورد دقت قرار گیرد. در نقد این کلام که شأن نزول این روایت، عایشه است، باید گفت اولاً: علتی که در روایت برای نقصان ایمان وارد شده است همه زنان را شامل می شود و مختص عایشه نیست و آن ترک عبادات در زمان عادت ماهانه است.

ثانیاً: آیا معصوم علیها السلام که رفتار و گفتارش بر همگان حجت است می تواند با یک گفتار کلی و نسبت دادن نقصان ایمان به نیمی از افراد جامعه بشری، کنایه ای به یک فرد از آنها داشته و پیروی از آن شخص را اراده کرده باشد.

ثالثاً: قرآن کریم بدون اینکه گروه و طائفه خاصی را مذمت کند به صورت مبهم و با هدف نبرد نام شخص خاص می گوید (چنین می گویند که...) (بقره/۱۴۲)، و این مطلب در محاوره امری طبیعی و غیر قابل انکار بوده است ولی این کار با متهم کردن نیمی از افراد جامعه بشری به خاطر مذمت یک نفر متفاوت است. کسانی که نقص را به معنی تفاوت گرفته بودند، باید توجه نمایند که اولاً: استعمال واژه تفاوت در معنی نقصان، دلیل بر استعمال نقصان به معنی تفاوت نیست و ملازمه ای بین آنها برقرار نمی باشد. ثانیاً: تا زمانی که امکان تفسیر کلمات به معنای اصلی خودشان وجود دارد نیازی به تغییر در معنای کلمات نداریم. اما طبق نظر مختار، هم معنای متبادر به ذهن کلمات محفوظ مانده و هم تعارضی با قرآن و عقائد مسلم ندارد. به این صورت که حضرت در مقام تبه به زنان، درخواست جبران نقص ایمان را از طرف زنان دارند و نقص زن به معنای بقای دائمی زن در این نقص نیست. در ضمن باید بیان کرد که با

توجه به ذیل روایت که استشهاد به دوران قاعدگی زنان و محرومیت از نماز و روزه می‌کند، معلوم می‌شود جنس زن مد نظر است نه عنوان زنانگی. به عبارت دیگر، عمومیت دلیل نشانهٔ عمومیت ادعا می‌باشد.

۲-۳- نقد رویکرد سوم

در این رویکرد، روایت مورد بحث، به دلایل مختلف غیر معتبر شناخته شد که لازم است مورد بررسی قرار گیرند. اما جعلی بودن این روایت، قابل قبول نیست به خاطر اینکه اولاً: هر چند رویهٔ فکری و روش عملی برخی خلفا در برخورد با زنان، تضعیف و کوبیدن زن بوده است و شاید به همین خاطر روایات نقصان ایمان در تمامی منابع معتبر روایی اهل سنت یعنی صحاح سته و سایر کتب و منابع روایی ایشان وجود دارد. اما نمی‌تواند دلیل قانع کننده‌ای برای این شبهه باشد و تنها یک حدس است. ثانیاً: وجود جایگاه خاص برای یک زن مانند عایشه در میان اهل سنت و بهاء دادن به او در مکتب روایی آنها با این نظریه سازگار نیست.

ثالثاً: وجود روایت در منابع و جوامع روایی بسیار معتبر مانند کتاب کافی به ضمیمه مباحثی که در تاریخ تدوین روایت شیعه و نحوهٔ شکل‌گیری کتب و جوامع روایی و اهتمام علماء و محدثین بزرگوار در حراست از آنها آمده است، اصل این احتمال را مخدوش می‌کند. نظریه‌ای که منشأ ترک نماز زنان را دستور الهی می‌داند، مبتنی بر این پیش فرض است که زن در ایام عادت می‌تواند همهٔ کمالات نهفته در نماز و روزه را با انجام آن استیفا نماید و تنها مانع وی حکم شارع است! در حالی که احکام الهی بر اساس رعایت مصالح و از بین رفتن مصالح مفسد می‌باشد، یعنی اگر به طور حقیقی و تکوینی، نماز و روزه در ایام عادت موجب تقرب بود، خداوند از آن نهی نمی‌کرد مگر آنکه نهی شارع صرفاً دارای جنبهٔ تسهیلی باشد. درست است که عمل زنان در ترک نماز، عمل به دستورات الهی و موجب تقرب می‌شود ولی منشأ این دستور عدم طهارت زن است.

به این مثال توجه کنید: مردی با توجه به دستور الهی رابطه‌ای شرعی با همسرش برقرار می‌نماید، مرد در اینجا با انجام این عمل واجب به خداوند نزدیک می‌شود ولی

جنبه دیگرش جنابت است که موجب دوری از مسجد و نماز و تقرب الهی است و تا غسل جنابت را انجام ندهد نمی‌تواند در محضر خداوند حاضر شود و از کمالات معنوی عقب می‌ماند. زنان به دستور الهی مبنی بر ترک نماز عمل نموده‌اند ولی تا طهارت خود را مجدداً به دست نیاورند از محضر خداوند دور می‌مانند. نشانه‌اش کراهت حضور زن حائض بر جنازه میت است. اگر ایمان را مانند نردبانی فرض کنیم که دارای مراتبی است قطعاً کسی که پیوسته از پلکان‌ها بالا می‌رود با کسی که هر از گاهی به هر دلیل از حرکت باز می‌ایستد تفاوت خواهد داشت. در اینجا هر دو به حکم الهی عمل می‌کنند و احکام شرعی مربوط به هر کدام نیز مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس‌الامری و مقتضیات تکوینی خاصی است که دست ما از آنها کوتاه است و علم ما به آنها راه ندارد لیکن در هر صورت این مسئله را به عنوان یک واقعیت وجدانی و انکار ناپذیر باید پذیرفت که تأثیر هر یک از این دو عمل هر چند منشأ آنها، اطاعت از فرمان پروردگار است، بر نفس انسان متفاوت است. به عنوان مثال کسی که ماه مبارک رمضان در سفر است و به حکم الهی روزه می‌خورد هرگز نورانیت و معنویتی را که در شرایط حضور در وطن که به فرمان خداوند روزه می‌گیرد، احساس نمی‌کند و از نظر قوت ایمانی و ظهور جلوه‌های زیبا و نورانی آن در وضعیت فروتری قرار می‌گیرد. اگر چه افطار مسافر به حکم شارع مقدس است همان‌گونه که روزه داری حاضر به حکم شارع است. بنابر این آنچه حضرت در این فراز فرموده‌اند بیان یک حالت طبیعی است و اختیاری بودن سفر و عدم اختیاری بودن عادت ماهانه تأثیری در این مطلب ندارد. آیت الله جوادی بیان نمودند که زنان زودتر به سن تکلیف می‌رسند و به لحاظ کمی، نقصی در عبادت ندارند، آنچه از کلام ایشان مستفاد می‌شود توقف در فهم روایات با توجه به اشکال امکان جبران عبادات ترک شده می‌باشد در حالی که امکان جبران، ضرری به صدور و فهم روایت نمی‌زند.

یک زن در مجموع عمر خود، ممکن است از لحاظ انجام عبادات و رسیدن به قرب الهی به بالاترین درجات برسد ولی بحث در این است که زنان با توجه به خلقت الهی در مدتی از عمر خودشان، محروم از عبادت هستند و در مورد عده‌ای از زنان احتمال عدم جبران آن وجود دارد که باعث افتادن در دام شیطان خواهد شد. به همین خاطر

حضرت به همه زنان گوشزد می‌کند، مبادا از یاد خدا غافل شوند و دچار نقصان ایمان گردند. در جواب کسانی که از باب خبر واحد، قائل به عدم حجیت این روایت هستند باید بیان کرد که خبر واحد در غیر احکام شرعی موجب تعبد به مضمون آن نخواهد شد بلکه مفید احتمال و موجب بررسی مفهوم آن از جهت عقل، تجربه علمی و داشته‌های دینی است. خبر واحد در اصطلاح اصولیون به خبری گفته می‌شود که اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام نداریم بلکه فقط مفید ظن به صدور است، اگر چه مخبر آن از یک نفر بیشتر باشد به شرطی که به حد تواتر نرسیده باشد. حجیت خبر واحد، از مهمترین مسائل اصولی است چون علم ضروری به احکام شرعی فقط در احکام کلی، آن هم به صورت اجمالی حاصل است مثل وجوب صلاة و صوم و امثال اینها، علم غیر ضروری به احکام مثل علم حاصل از خبر مقطوع الصدور - به خاطر تواتر یا به خاطر قرائن قطعی - خیلی کم اتفاق می‌افتد. به همین خاطر بیشتر احکام شرعی با خبر واحد ثابت می‌شود و اگر حجیت آن اثبات شود باب علمی در احکام باز خواهد بود و اگر حجیت آن اثبات نشود باب علمی بسته و باب انسداد باز می‌شود (خویی، ۱۳۸۶: ۱۴۶/۲).

خبر واحد در غیر احکام شرعی هم دارای جایگاه ویژه‌ای است به علت اینکه روایات زیادی در بحث تفسیر، اعتقادات، اخلاقیات، تاریخ و امور تکوینی داریم که می‌توانند راه‌گشای ما در این امور باشند و به عنوان نظر اسلام مطرح شوند. البته اعتقادات به دو مورد تقسیم می‌شوند.

اول: اموری که واجب است در مورد آنها به تحصیل علم و یقین پردازیم مثل معرفت خداوند. در اینجا ظن کفایت از علم نمی‌کند چون صدق معرفت به امور ظنی مشکل است. پس در صورت امکان باید دنبال علم باشیم و اگر عاجز از تحصیل علم بودیم تکلیف از گردن ما ساقط خواهد بود (سبحانی، ۱۴۳۰: ۳/۳۲۰).

دوم: اموری که تحصیل علم و معرفت در مورد آنها واجب نیست بلکه اگر علم حاصل شد، باید تسلیم آن بود مثل تفصیل برزخ و معاد. علما در این مورد از امور اعتقادی اختلاف نظر دارند. گروهی قائل به عدم حجیت خبر واحد و گروهی قائل به حجیت شده‌اند

۳. نظریه مختار

قبل از بیان دیدگاه مختار باید بیان شود که اعتقاد به ظواهر روایات زمانی صحیح است که مضمون آن با حکم قطعی عقل و داشته‌های قبلی دینی سنجیده، پیش زمینه‌های فکری، حذف و روایات بر مدار قرآن و عقل تفسیر شود. به همین خاطر در قول مختار، بر پایه احتمال صدور روایات و توجه به ظاهر آن، توجه به آیات و روایات دیگر مبنی بر عدم فرق بین زن و مرد در قبول عبادات، اظهار نظر شده است. ظاهر بیان حضرت علی علیه السلام در این خطبه این است که زنان به علت دوری از نماز و روزه در بعضی از روزها، دچار نقص در ایمان هستند و این تعلیل، مناسب با تشکیکی بودن حقیقت ایمان (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۸، ۲۵۹)، و تأثیر عمل در ایمان است (فاطر/۱۰)، از طرفی امکان جبران این نقص برای زنان وجود دارد، به همین خاطر تعارضی با قرآن یا سائر روایات مبنی بر عدم فرق بین زن و مرد در انجام عبادات ندارد. مقصود روایات نقصان ایمان زنان این نیست که زنان برای همیشه ناقص خواهند ماند بلکه به خاطر ترک نماز و روزه و به احتمال زیاد در مورد غالب زنان، عدم عبادتِ جانشینِ نماز و روزه، ایمانشان ناقص خواهد شد. ولی دلالت ندارد که هیچ زنی نمی‌تواند به ایمان کامل برسد و جبران نقص کند. آیات قرآن هم ناظر به همین مسئله است که عبادت زن و مرد با هم فرقی ندارد هر کس عبادت بیشتر و با کیفیت نزد خداوند بیاورد در نزد خدا محبوب‌تر است.

کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام تنبیه و تذکر به زنان است از این جهت که این نقص در اصل خلقت آنها وجود دارد و باید این نقص را جبران کنند. شارع مقدس هم در حد امکان راه‌هایی برای پر کردن خلأ یاد شده وضع نموده است. در رساله‌های عملیه آمده است مستحب است زن در مواقع نماز، وضو بگیرد و در محل عبادت رو به قبله بنشیند و به یاد خداوند باشد که از تقرب الهی عقب نماند. به همین خاطر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بیشتر اهل بهشت از مستضعفین هستند - یعنی زنان - خداوند ضعف آنها را می‌داند پس به آنها ترحم کرد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۴۶۸/۳)، یعنی اگر چه از نماز و روزه در این ایام محروم شده‌اند ولی امکان جایگزینی دارد. افزون بر آن،

روایات متعددی داریم مبنی بر اینکه زنان راه‌های زیادی برای رسیدن به ثواب و سعادت دارند (کلینی، ۱۳۶۳: ۵/ ۹). برای مثال جهاد زن که همسررداری شایسته است، همواره برای زنان، مجال تقرب را فراهم آورده است، در حالی که ممکن است در طول عمر یک مرد، هیچ‌گاه باب جهاد، بر وی گشوده نشود.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده خداوند برای هر زنی که آبی به همسر خود بنوشاند، عبادت سالی را منظور می‌کند، که در تمام روزهایش روزه بوده و تمام شب‌هایش را به عبادت گذرانده و به ازای هر جرعه آب، شهری در بهشت برای وی بنا کرده و شصت گناه او را می‌بخشد. ثانیاً: اگر زنان در ایام عادت از برخی عبادات محرومند، از سوی دیگر زودتر به سن بلوغ می‌رسند و عبادات بیشتری انجام می‌دهند پس زمینه تقویت این نقص در آنها وجود دارد. بنابر این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام به این معنا نخواهد بود که در مجموع، ایمان زن از مرد کمتر است و در نتیجه کمالات انسانی وی فروتر خواهد بود تا اشکال به عدالت الهی وارد شود. ثالثاً: نقش تربیتی جمله امیرالمؤمنین علیه السلام این است که به جامعه زنان هشدار می‌دهد در دوران عادتشان گرفتار چنین وضعیتی می‌شوند، به همین خاطر از آن غافل نشده و بکوشند از راه‌های دیگری که در شرع مقرر گردیده این مشکل را هر چند که موقتی است، پر نمایند و پیوسته به ساحت مقدس کبریایی تقرب جویند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منشأ نقصان ایمان زنان را ترک نماز در ایام عادت ماهانه می‌دانند ولی هیچ‌موقع بیان نکردند، زنان از مردان عقب مانده‌اند. فقط اشاره دارد به اینکه اعمال در ایمان اثر گذار است و زنان به‌خاطر اینکه اکثر عمرشان، هر ماه در معرض این نقصان هستند باید توجه ویژه‌ای به این نقص داشته باشند. به این نکته هم باید دقت کرد که استشهاد به دوران قاعدگی زنان و محرومیت از نماز و روزه در ذیل روایت، نشان می‌دهد جنس زن مد نظر است نه عنوان زنانگی، به عبارت دیگر، عمومیت دلیل، نشانه عمومیت ادعا می‌باشد. همچنین باید بیان کرد که ایمان یک امر باطنی است و دارای دو عنصر شناخت و التزام قلبی که منجر به انگیزه برای انجام دستورات الهی می‌شود و انجام نماز و روزه در افزایش این دو عنصر مؤثر خواهد بود. اینکه خوارج با وجود کثرت عبادت، به جهنم می‌روند به خاطر این است که ایمان در

مرحله اول به شناخت و در مرحله دوم به رابطه عاطفی و قلبی با خداوند نیاز دارد و انجام نماز و روزه زمانی در ایمان مؤثر خواهد بود که انسان حداقل میزان شناخت واقعی و التزام قلبی را دارا باشد. خوارج بدون این دو عنصر، ظواهری را انجام می‌دادند که نه تنها در ایمان آنها مؤثر نبود بلکه بر ظلمت آنها اضافه می‌کرد، چون نماز بدون شناخت و ارادت قلبی با تعظیم برای بت‌ها تفاوتی ندارد.

نتیجه‌گیری

از لحاظ کلامی انگیزه برای عمل، جزء ایمان است و عمل در مراتب ایمان مؤثر است. دوری از عمل به وظائف، ایمان را ضعیف و در مواردی زائل می‌کند. گرچه طبق روایات، شفاعت شامل مرتکبین گناهان کبیره نیز می‌شود ولی شرط آن، وجود ایمان است و با توجه به روایات، استمرار بر گناه، ترک واجبات و غفلت از یاد خداوند، ایمان را از انسان سلب خواهد کرد. زنان به علت دوری از نماز و روزه در بعضی از روزها، دچار نقص در ایمان هستند و این تعلیل، مناسب با تعریف اکثر دانشمندان علم کلام از ایمان است. از طرفی امکان جبران این نقص برای زنان وجود دارد. به همین خاطر تعارضی با قرآن یا سائر روایات مبنی بر عدم فرق بین زن و مرد در انجام عبادات ندارد. کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام تنبیه و تذکر به زنان است از این جهت که این نقص در اصل خلقت آنها وجود دارد و باید این نقص را جبران کنند.

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، چاپ سوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۲. بحرانی، کمال الدین میثم، شرح نهج البلاغه، چاپ پنجم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، تحقیق، سید مهدی رجایی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۰.
۴. تهرانی، میرزا جواد، عارف و صوفی چه می‌گویند، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۷.
۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ ششم، قم، نشر اسراء، ۱۴۱۷.
۶. خزعلی، کبری و بهزاد پور، سیمین دخت، و آیت الهی، زهرا، زن، عقل، ایمان، مشورت، چاپ اول، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۸.
۷. خویی، ابوالقاسم، مصباح الأصول، تقریر، حسینی بهسودی، نجف، مطبعة النجف، ۱۳۸۶.

۸. سبحانی، جعفر، ارشاد العقول إلى مباحث علم الأصول، تقرير، محمد حسين عاملي، چاپ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۰.
۹. سيد مرتضى، على بن الحسين، رسائل المرتضى، چاپ دوم، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵.
۱۰. شيخ صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، تحقيق، على اكبر غفارى، چاپ چهارم، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴.
۱۱. صانعى، يوسف، مجله پیام زن، ش ۵۱،
۱۲. طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، ۱۳۸۸.
۱۳. طوسى، محمد بن حسن، الأمالى، چاپ اول، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴.
۱۴. علاسوند، فاطمه، دانشنامه فاطمى، مقاله جاىگاه ارزشى زن، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ۱۳۹۳.
۱۵. فضل الله، محمد حسين، دنيا المرأة، ترجمه، دفتر پژوهش سهروردى، چاپ اول، تهران، دفتر نشر سهروردى، ۱۳۸۳.
۱۶. قبانجى، احمد، المرأة، المفاهيم والحقوق، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الانتشارات العربى، ۱۳۸۸.
۱۷. قرشى بنايى، سيد على اكبر، مفردات نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگى قبله، ۱۳۷۷.
۱۸. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تحقيق، على اكبر غفارى، چاپ اول، تهران، دار الكتاب الإسلاميه، ۱۳۶۳.
۱۹. متقى هندی، علاء الدين على، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۲۰. موسى، سيد عباس، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، بيروت، دارالرسول الأكرم، ۱۳۷۶.
۲۱. مهرىزى، مهدى، زن و فرهنگ دينى، چاپ اول، تهران، نشر هستى نما، ۱۳۸۲.
۲۲. —، شخصيت و حقوق زن در اسلام، چاپ سوم، تهران، شركت انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۸۲.

